

داستان هایی درباره ریا

ریا کاری

عبدالاعلی سلمی ریا کار بود. و روزی گفت: مردم پندارند که من ریا کارم و حال آن که من دیروز روزه داشتم و امروز نیز روزه دارم و هیچکس را نگفتم. کشکول شبیه بهایی، ص ۴۱۸.

چهار نام

یکی از شاگردان پیامبر گرامی اسلام ﷺ آن حضرت را ملاقات کرده و پرسید: «در روز قیامت، راه نجات در چیست؟» پیامبر ﷺ فرمود: «نجات برای کسانی است که خدا را فریب ندهند و در نتیجه خداوند آنها را فریب دهد، زیرا کسی که خدا را فریب دهد، خداوند او را فریب خواهد داد،^(۱) به این که ایمان را از او سلب می کند. در این صورت اگر او بفهمد در حقیقت خود را فریب داده است. شخصی از رسول خدا ﷺ پرسید: «چگونه بنده، خدا را فریب می دهد؟» پیامبر ﷺ فرمود: «این گونه که آن چه را خدا به او فرمان داده، برای غیر خدا انجام می دهد. بپرهیزد از ریا کاری، زیرا ریا، شرک به خدا است و آدم ریا کار، در روز قیامت به چهار نام خوانده می شود: ۱. ای کافر ۲. ای فاجر [گنهکار] ۳. ای غادر [نیرنگباز] ۴. ای خاسر [زیانکار] عمل تو پوچ شد و پاداش تو نابود گردید و امروز برای تو بهره ای نیست. پاداش خود را از کسی که برایش عمل کردی، تقاضا کن.^(۲)»

فریب دادن بشر به خدا و به عکس درست شبیه داستان معروفی است که از بعضی از بزرگان نقل شده است که به جمعی از بازرگانان گفت: «بترسید که مسافران غریب، بر سر شما کلاه بگذارند.» کسی گفت: «اتفاقاً آنها افرادی خبر و ساده دل هستند، بلکه ما می توانیم بر سر آنها کلاه بگذاریم.» مرد بزرگ گفت: «منظور من هم همان است، شما سرمایه ناچیزی از این راه فراهم می سازید و سرمایه بزرگ ایمان را از دست می دهید.» بنابراین کلاه بر سر شما می رود.^(۳)

قضای سی سال نماز

شخصی اهل مسجد و نماز بود، نماز جماعتش ترک نمی شد، به قدری مقید بود که زودتر از دیگران به مسجد می آمد و در صف اول جماعت قرار می گرفت و آخرین نفری بود که از مسجد بیرون می رفت. روشن است که چنین انسانی، باید فردی خدا ترس و متدین و متعهد باشد. یکی از روزها اموری باعث شد که اندکی دیر به مسجد رسید. دید در صف اول جماعت جا نیست. مجبور شد در صف آخر قرار گیرد، پیش خود خجالت می کشید و آثار شرمندگی از چهره اش پدیدار شد. با خود می گفت چرا در صف آخر قرار گرفتم و ...

ناگهان به خود آمد که این چه فکر باطلی است که بر من چیره شده است؟ اگر خلوص باشد که روح عبادت است، صف اول و آخر ندارد. به خود گفت: عجب! معلوم می شود سی سال نماز تو آلوده به ریا بوده، و گرنه نمی بایست صف آخر، شائبه ای در دل تو ایجاد کند. این فکر، نوری در قلبش به وجود آورد که باید چاره جویی کرد و تا دیر نشده، غول ریا را از کشور تن بیرون نمود، به سوی خدا پناه برد و از شر شیطان به پناه الهی رفت. با صبر و حوصله، توبه حقیقی کرد و خود را اصلاح نمود و تصمیم گرفت که تمام نمازهای سی ساله اش را قضا کند. زیرا دریافت که در صف اول بوده

۱. چنانچه آیه ۱۴۲ سوره مبارکه نساء «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ» در مورد منافقان آمده است.

۲. معانی الأخبار، ص ۳۴۱. ۳. داستان دوستان، استاد شهید مطهری رحمه الله، ج ۱، ص ۱۴۹.

و در آنها شائبه ریا وجود داشته است. آری! از خواب غفلت بیدار گشت و با همّتی قوی روح و روان خود را با آب توبه حقیقی شستشو داد و نمازهای سی ساله اش را قضا نمود.^(۱)

منصور و زاهد ریایی

شخصی برای طلب حکومت ناحیه ای از نواحی عراق پیش منصور خلیفه عباسی آمد، در حالتی که آثار زهد و تقوا از او نمایان و بر پیشانی اش آثار سجود به مثل زانوی شتر نمودار بود! بعد از اظهار مطلب، خلیفه از او سؤال کرد که این چیست بر پیشانیت؟ گفت: اثر سجود است. منصور گفت که این حایل است بین تو و این عمل که خواهان آن هستی. آن شخص گفت: چگونه حایل خواهد بود؟ منصور گفت: به جهت آن که اگر از کثرت عبادت و خداپرستی شده است، پس روانیست که تو را از خداوند مشغول داریم و اگر برای ما کرده ای، سزاوار نیست که فریب و خدعه تو بر ما اثر کند. آن شخص منفعل شده، نومیدانه از مجلس بیرون رفت!^(۲)

عبادت سری و آشکارا

امام باقر علیه السلام می فرماید که ابقاء بر عمل نیک مشکل تر از خود عمل است. راوی گوید پرسیدم: مراد از ابقاء بر عمل چیست و چگونه است؟! امام علیه السلام می فرماید یک انسان مسلمان که محرمانه به دیدار یک مسلمان می رود و برای خدا و به قصد خالص پروردگار به او انفاق می کند و مساعدت می نماید، این عمل او چون مخفیانه بوده است، به عنوان یک عبادت سری در نامه عملش نوشته می شود و عبادت سری اجر بسیار بسیار بزرگی دارد. چندی نمی گذرد که این مرد انفاق کننده از خدمت و انفاق خود نام می برد و به دیگری می گوید که من از آن شخص دیدار کردم و به او رسیدگی نمودم. در نتیجه این اظهار، جنبه سری بودن عمل از میان می رود و به جای آن «علانیه»^(۳) نوشته می شود. بعداً چندی نمی گذرد که باز با دیگری صحبت می کند که من نیمه شب برای رسیدگی به او به در منزل او رفتم و سری هم رفتم. پرده او را می درد، آبروی او را می برد، فلذا به جای عمل خالصانه سری، عمل ریایی علنی برای او نوشته می شود و عمل ریاکیفر و مجازات دارد.^(۴)

سلک روزنامه

مرحوم اعلم الدوله ثقفی در مقالات خود نقل کرده است که وقتی ناپلئون از جزیره آلپ مراجعت می کرد، روزنامه های پاریس از روز حرکت تا روز ورود او به پایتخت عبارات ذیل را در شماره های متوالی نوشتند:

از قراری که خبر رسیده باز این غول بی شاخ و دم از مغاره خود بیرون آمده و به خیال آشامیدن

۱. استعاده، مرحوم شهید دستغیب رحمه الله ص ۱۴۳. ۲. گنجینه لطائف، ص ۵۰. ۳. آشکار.

۴. شرح و تفسیر دعای مکارم الأخلاق، استاد فلسفی رحمه الله، ج ۱، ص ۸۲.

خونِ ملت از جای خویش حرکت کرده است...
بر حسبِ اخباری که به ادارهٔ ما رسیده ببرِ خونِ آشام در سواحلِ مملکت از کشتی پیاده شده
است...

بنابر خبری که داریم، بیوه‌کنندهٔ زنان و به‌کشتن دهندهٔ جوانان به شهر رسیده است...
خبرنگارِ ما می‌نویسد که آن ستمکارِ ظالم به شهر لیون وارد گشت...
اخبار رسیده حاکی است که ناپلئون به پایتخت نزدیک می‌شود.
آخرین خبر آن است که امپراطور به شهر رسیده است!
موکبِ ظفر انتسابِ اعلیٰ حضرت همایونی امپراطور کلِّ ممالکِ دیروز به پاریس وارد شدند و
در قصرِ سلطنتی نزولِ اجلال فرمودند! (۱)

اشعار

طاعت بی ریا

طاعتی را که بی ریا بنهاد
نهی جمله باد باشد باد
اوحدی

توبه حافظ

بشارت بر به کوی می‌فروشان
که حافظ توبه از زهد ریا کرد
حافظ

آن نازنین

غلام همت آن نازنینم
که کار خیر بی روی و ریا کرد
حافظ

غره مشو!

ای کبک خوش خرام کجا می‌روی به ناز
غره مشو که گریه زاهد نماز کرد
حافظ مکن ملامت رندان که در ازل
ما را خدا ز زهد ریا بی نیاز کرد

حقیقت و مجاز

فردا که پیشگاهِ حقیقت شود پدید
شرمنده رهرویی که عمل بر مجاز کرد
حافظ